



# شهادت در حمام فین کاشان

بزرگترین اشتباه ناصرالدینشاه در ۲۱ سالگی

قرن بیستم با ویژگیهای خاص خود از یکسو بشریت را با جهشی غیر قابل تصور به اوج تمدنی که در تصور بشر بود، رهنمون شد و از سوی دیگر جهان را در فاصله اندک، با دو جنگ عالمگیر روبرو ساخت.

بر رسی اجمالی نسبت و فراز تمدن جهانی از سال ۱۹۰۰ می تواند راهنمای تمام کسانی باشد که قصد تحلیل مسایل جهانی را دارند.

در زمینه مسایل مربوط به ایران نیز بی گمان پیدایش جنبش مشروطیت و وقایع پیش از آن و بررسی علل و جهات آن این امکان را بدست می دهد که پژوهندگان از آن چراغی فراخ بهره ببرند و پیروزند و در پرتو آن سیر تحولات تاریخ معاصر ایران بویژه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی را همزمان با دگرگونه شدن تمدن جهان در آخرین سده قرن بیستم مطالعه و بررسی کنند.

## شبى چون شبه روى شسته به قير

### نه بهرام پیدانه کیوان نه تیر

مشروطیت ایران با صدور فرمان مظفرالدینشاه قاجار در سیزدهم مرداد ۱۲۶۵ شاهنشاهی برابر با چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری و پنجم اوت ۱۹۰۶ میلادی از قوه به فعل در آمد ولی پیش از آن - از اواسط سلطنت ناصرالدینشاه - ریشه های آبیاری شد و نهالش با گرفت.

مورخین عقیده دارند که قتل نا جوانمردانه «میرزا تقی خان امیر کبیر» مرد لایق و شایسته ایران، نخستین هشدار برای بیداری توده مردم بود و اولین ضربه ای که بر بیکر نهال نو بای آزادی وارد شد. نهالسی که در متجارب استبداد شاخ و برگ می زد و شکوفای می شد.

ناصرالدینشاه، پس از مرگ محمد شاه قاجار - در سن ۱۷ سالگی - به کمک «امیر کبیر» که در آن زمان به «میرزا تقی خان قراقرانی» مشهور بود بر تخت سلطنت تکیه زد. در ابتدای کار «مهد علیا» مادر ناصرالدینشاه به کمک میرزا تقی خان که متصدی امور دستگاه و دربار ناصرالدینشاه (ناصرالدینشاه) بود و بعد از مرگ «محمد شاه» همه کاره دربار ناصر شد. موفق گردید، مدعیان سلطنت را یکی پس از دیگری بر جای نشاند و زمینه را برای حکومت ناصرالدینشاه که پنجاه سال ادامه یافت، هموار سازد.

«میرزا تقی خان» بعد لقب «امیر نظام» گرفت و سپس با لقب «اتابک اعظم» به مقام صدارت دربار ناصر رسید. این القاب و مقامها باعث شد که حسودان و بدگویان از در دشمنی با امیر کبیر در آید و چنانکه اشاره خواهیم کرد باعث گرفتاری و حتی مرگ وی شوند.

«امیر کبیر» هنگامی به صدارت رسید که سوء سیاست سلطنت محمد شاه و بی عرضگی و بی کفایتی «حاج میرزا آقاسی» صدر اعظم او ریشه حیات مملکت را به تار موی بسته بودند. مع الوصف «امیر کبیر» توفیق یافت که با خدمات درخشان خود مملکت را از ورطه نیستی برهاند و در راه ترقی سوق دهد. اما سرانجام پس از تنها چهار سال صدارت که طی آن افتخارات فراوانی نا شنیدی و ماندنی برای کشور بجای گذارد بد گویی بد خواهان و بد بینی پادشاه، موجب شد که در ۲۵ محرم ۱۲۶۸ هجری قمری از صدارت خلع شود. در این زمان «مهد علیا» در رأس دشمنان «میرزا تقی خان» قرار گرفته بود زیرا او و عمالش در طول صدارت امیر کبیر توفیق نیافته بودند تا نظرات سوء خود را بر مردم مملکت تحمیل کنند. امیر کبیر با آنکه عملاً از صدارت خلع شده بود اما چون در قلب مردم ایران جانی والا داشت دشمنانش و طعناً «مهد علیا» از وجود وی در پایتخت هراس داشتند و سرانجام نیز موفق شدند. ناصرالدینشاه را مجبور کنند که به پهنه حکومت کاشان، میرزا تقی خان را بدان سامان تبعید کند.

۱۳۰۶ هجری قمری، انجام گرفت و سلطان مستبد قاجار با آگاهی از رویدادهای آزادخواهانه اروپا پس از مراجعت به ایران تصمیم گرفت دروازه های ایران را به روی افکار نو و روشن اروپائیان به بند ولی دیگر بند شده بود و روح آزادی و آزادخواهی از طریق محلات، روزنامه ها، کتب، و مسافران خارجی که به ایران می آمدند یا ایرانیانی که از سفر خارج به وطن باز گشته بودند در کالبد به ظاهر بی رمق ولی در باطن آماده هر نوع جنبش ملت دیده شده بود.

ناصرالدینشاه برای نخستین بار به گوش خود شنید و به چشم خود دید که ملت در مقابل حرف او می ایستد و بلند و رسا می گوید: نه!

و این پاسخ منفی را سلطان مستبد، پس از زخمه های تأسف انگیز قتل «میرزا تقی خان» بخاطر ماجرای امتیاز تنباکو در سال ۱۳۰۸ هجری قمری، از ملت دریافت کرد. لغو امتیاز تنباکو

بدون شک همین پاسخ منفی خود متکی به ریشه های قلی بود تا آنجا که می توان ادعا کرد که پایه گذار بیداری توده ملت علل و جهات فراوان دیگر نیز بوده است از جمله: اعطای امتیازهای گوناگون و سیاسی به بیگانگان، انهم در جهت مخالف مصالح و منافع عمومی.

تا خشنودی مردم از اعطای امتیاز توتون و تنباکو به انگلیس ها آغاز شد و کار مؤسسه ای که توسط صاحب امتیاز توتون و تنباکو بنام «رژری» در تهران ایجاد شده بود با مخالفت شدید و همه جانبه مردم روبرو شد و دو تن از روحانیون سرشناس (حاجی میرزا حسن آشتیانی در تهران و حاجی میرزا حسن شیرازی در عتبات عالیات) علیه امتیاز بیا خواستند و مردم را در مخالفت با آن تحریک و تهییج نمودند.

بدین ترتیب موج مخالفت سراسر کشور را فرا گرفت و این موج ها بافتاری «میرزای شیرازی» به طوفانی عظیم بدل گشت که پایه های دربار ناصرالدینشاه را لرزاند. فتوا قاطع و کوتاه بود:

«الیوم استعمال تنباکو و توتون، بای تحسوکان، در حکم مخاریه با امام زمان است...»

این فتوا بمنزله جهاد عمومی آنچنان مردم آماده ایران را برانگیخت که حتی خدمه اندرون و بانوان حرمسرای ناصرالدینشاه نیز از استعمال تنباکو، خود داری کردند و قلیان ها را شکستند.

دامنه این مبارزه چنان اوج گرفت که ناصرالدینشاه توانست در لایالی شعارها و تصنیف هایی که علیه قرار داد تنباکو بر زبان مردم گوی و برزن از هر طبقه و دسته ای جاری بود، بوی آزادی ملت را استشمام کند و بهمین دلیل مقاومت بیشتر را صلاح ندید و در دستخطی که به «اتابک اعظم» در باره لغو قرار داد نوشت، نشان داد که اولاً قیام مردم علیه امتیاز تنباکو به چه اندازه وسیع و قاطع بوده، ثانیاً این قیام، تا چه اندازه ناصرالدینشاه را به وحشت انداخته است:

«... وقتی که «رژری» را بنا بشود با خون رعیت خودمان مخلوط بکنیم تمام کارهای دیگر را بی نظم می کند مستحکم بشویم و هر آخوند شیشوی گوشه مدرسه را که احدی اسمش را نمی دانست، حالا مشیر و مشاور رعیت به بنییم، آیا در این صورت نباید یک فکر دیگری کرد؟...»

سبب خفه اش کرد. بدینسان رسته حیات مرد تاریخ ایران باره شد و کشور ما یکی از فقیم ترین خدمتگزاران خود را از دست داد.

به صراحت می توان گفت: با مرگ امیر کبیر هسته مرکزی اصلاحات ایران در دوره ناصر از هم پاشیده شد و بار دیگر هرج و مرج و بی بند و باری حاکم بر دستگاه اجرائی دربار ناصرالدینشاه گردید.

## نخستین جنبش ملت، علیه بردگی

تعزیم تنباکو:

«ناصرالدین شاه» و گروهی از شاهزادگان قاجاریه از راست به چپ یحیی خان مشیرالدوله، شاهزاده امامقلی میرزا عمادالدوله - شاهزاده عبدالقصد میرزا عزالدوله برادر «ناصرالدین شاه» - شاهزاده فیروز میرزا فرمانفرما - میرزا قهرمان امین لشکر - میرزا حسین خان سپهسالار - امیر حسینخان گروس - ناصرالدین شاه - شاهزاده علی قلی میرزا اعتضادالسلطنه - شاهزاده سلطان مراد میرزا حسام السلطنه و میرزا ملکم خان وزیر مختار ایران در لندن.

ناصرالدین شاه و شاهزادگان



«ناصرالدین شاه قاجار» پادشاهی که طی ۵۰ سال سلطنت خود مرتکب اشتباهات فراوان شد و برای تامين هزینه سفرهای بی نتیجه اش به فرنگ و دیگر عیاشی ها قسمت عظیمی از منابع اقتصادی و خاک کشور را به بیگانگان واگذار کرد و حکم قتل «میرزا تقی خان امیرکبیر» سرباز وارسته و فهیم کرد؟...»

از این دستخط میزان عصبانیت ناصرالدینشاه را هم می توان درک کرد زیرا علیرغم اعتقادات مذهبی که در او سراغ میروید از یک روحانی چلیب القدر (میرزای شیرازی) به نام «آخوند شیشو» یاد کرده...

عجیب ترین امتیاز سرنوشت «رژری» و امتیاز توتون و تنباکو چنان شد که اشاره رفت اما از نظر اسارت عملی ملت ایران در جنگال استعمار اجانب بر اساس امتیازات، تحصیل امتیاز عجیب و تأسف انگیز «بارون زولیوس دورویتر» سرمایه دار معروف انگلیسی را می توان نام برد که در سال ۱۸۷۲ منعقد گردید.

هر چند این امتیاز ننگین که یکی دیگر از اشتباهات بزرگ ناصرالدینشاه و میرزا حسین خان سپهسالار بود هرگز جامه عمل نپوشید، ولی گرفتاریهای فراوانی برای ملت ایران ببار آورد و موجب شد که امتیازات بسیاری به دولتین روس و انگلیس داده شود.

امتیاز بانک شاهي به «رویتسر» بقیه در صفحه ۶



ناصرالدین شاه در گردش روزانه از خصوصیات اخلاقی «ناصرالدین شاه» رفتن به صحرا و گشت و گذار روزانه بود. در این عکس «ناصرالدین شاه» در کنار رودی به تفریح نشسته است و «عزیزالسلطان» پشت سر او در حال بازی به دووبین نگاه می کند.

«عزیزالسلطان» (ملیچک دوم) کودک خردسالی بود که مورد توجه «ناصرالدینشاه» بود و او را «سردار» زمان صلح» خود می دانست. می گویند اعمال و رفتار اتفاقی «عزیزالسلطان» باعث شده بود که سه بار «ناصرالدینشاه» از مرگ حتمی نجات یابد.

آنکه در سمت چپ عکس کاغذ بدست دارد، شناخته نشده، شاید گزارشی سیاسی را برای «ناصرالدین شاه» قرات می کند و یا شاعری است که مدحی درباره او گفته.



عزیزالسلطان «ناصرالدین شاه» و «عزیزالسلطان» (ملیچک دوم) با لباس رسمی. «عزیزالسلطان» فرزند امین خاتون (ملیچک اول) است. عمه «عزیزالسلطان» در حرم «ناصرالدینشاه» بود و شاه از آن طریق «عزیزالسلطان» را دید و محبت فوق العاده نسبت به او یافت بطوری که بخاطر بیاماری وی نزدیک بود سفر رسمی خود را بفرنگ متوقف کند.